



بخش ۳

نگاهی اجمالی به سیر فلسفه در جهان اسلام

با توجه به اینکه جهان اسلام و در میان جهان اسلام، سرزمین ایران و فیلسوفان ایرانی سهم بسزایی در گسترش تفکر فلسفی در جهان داشته‌اند، شایسته است که دانش‌آموزان ما با برجسته‌ترین فیلسوفان جهان اسلام و جریان‌های فلسفی شکل گرفته در آن یک آشنایی اجمالی کسب کنند و با دستاوردهای آنان آشنا شوند. این آشنایی هم برای آشنایی با اصل فلسفه ضروری است و هم می‌تواند انگیزه‌ای در دانش‌آموزان به وجود آورد که زحمات و تلاش‌های بزرگانی چون فارابی و ابن‌سینا و سهروردی را گرامی بدانند و با تلاش فکری خود در مسیر آنان قدم بردارند. این امید هم وجود دارد که در میان دانش‌آموزان، هرچند از نظر تعداد اندک، افرادی پیدا شوند که بخواهند تفکر فلسفی را مجدداً احیا کنند و به دوران اوج آن برسانند.

فلسفه در جهان اسلام (۱)

درس
۹

هدف کلی

توانایی تبیین عوامل رشد و شکوفایی فلسفه در جهان اسلام

اهداف مهارتی و جزئی

- بیان عوامل توجه اولیه مسلمانان به فلسفه
- توضیح درباره تأثیر قرآن و سیره پیامبر اکرم و اهل بیت در رشد تفکر عقلی و فلسفی
- بیان جایگاه فارابی در رشد تفکر فلسفی

طراحی آموزشی درس

این درس و درس‌های بعد ماهیت تاریخی آن بر جنبه استدلالی آن غلبه دارد. به همین جهت با یک گزارش از رشد تفکر عقلی و فلسفی در جهان آغاز می‌شود و درس از مسیر این گزارش وارد یک تحلیل تاریخی می‌گردد. در این تحلیل تاریخی عوامل رشد فلسفه در جهان اسلام تبیین می‌گردد. سپس یک شخصیت از شخصیت‌های فلسفی به عنوان نمونه و الگویی از رشد تفکر فلسفی ارائه می‌شود و دانش‌آموزان با بخش‌هایی از زندگی و طرز فکر وی آشنا می‌شوند.

محورهای اصلی درس

- رشد عقلانیت در جهان اسلام، زمینه‌های توجه به فلسفه را فراهم کرده است.
- در قرآن کریم، کلمات رسول خدا و امیرالمؤمنین و فرزندان معصوم آنان عبارت‌های فراوانی که ناظر بر مسائل فلسفی باشد، وجود دارد.
- فارابی اولین فیلسوف مسلمان است که هم به ارسطو و هم به افلاطون توجه کرد و دارای دیدگاه روشن در مسائل فلسفی بود.
- فارابی در فلسفه سیاست نظراتی ارائه کرد که به دیدگاه افلاطون نزدیک بود و هماهنگی فراوانی به نظر شیعیان درباره امامت داشت.

نکات آموزشی در مسیر تدریس

توضیح درباره آغاز فلسفه و نشاط فلسفی در جهان اسلام

در ابتدای این درس، به کمک مطالبی که در درس قبل درباره جایگاه عقل ذکر شد، توضیحاتی درباره چگونگی شروع و رشد تفکر فلسفی در جهان اسلام داده می‌شود. در اینجا خوب است نمونه‌هایی از کلمات معصومین علیهم‌السلام ارائه شود که نشان دهد مباحث و عناوینی که معمولاً جزء فلسفه تلقی می‌شوند در آن کلمات آمده، گرچه تحت عنوان یک دانش مستقل نبوده است.

در این باره می‌توان به کتاب‌های زیر مراجعه کرد:

۱. علی و فلسفه الهی، علامه طباطبائی

۲. فلسفه الهی از منظر امام رضا علیه‌السلام، آیت‌الله جوادی آملی، انتشارات اسراء

انجام فعالیت «اندیشه»

در این فعالیت، گزارشی از گرمی بازار فلسفه و بحث و مناظره و نقد و انتقاد فلسفی در دوره ابن‌سینا آمده و دو سؤال مطرح شده است.

در پاسخ به سؤال اول می‌توان گفت که در هر جامعه‌ای چنین شور و نشاط علمی شکل نمی‌گیرد؛ بلکه این شور و نشاط زمینه‌هایی می‌خواهد. این زمینه‌ها سبب می‌شوند که پس از مدت زمانی کوتاه یا طولانی روحیه علم دوستی و توجه به تفکر و تعقل در مردم پدید آید و نخبگان جامعه به آن روی آورند.

در پاسخ به سؤال دوم می‌توان گفت که عمل دانشمند شیرازی گویای آن است که روحیه نقادی در دانشمندان آن عصر زنده بوده و همین که اشکالی در کتابی مشاهده می‌کردند به شیوه‌ای علمی و دقیق انتقاد می‌کردند و یا در قالب سؤال از نویسندگان می‌خواستند که آن سؤال‌ها را پاسخ دهد. روش ابن‌سینا در پاسخ نیز گویای توانایی وی در پاسخ‌گویی و احساس وظیفه در راهنمایی و آگاهی بخشی مردم، بدون از دست دادن زمان و فوت وقت، می‌باشد.

انجام فعالیت «انتخاب»

این فعالیت درباره تأثیرات متقابل حیات عقلی و حیات علمی و حیات فلسفی بر یکدیگر است. این را می‌دانیم که اگر جامعه‌ای اهل تفکر و تعقل باشد، یعنی دارای «حیات عقلی» باشد، شاخه‌های مختلف علم و دانش شروع به رشد و شکوفایی می‌کند، یعنی «حیات علمی» به وجود می‌آید. با رشد حیات علمی، یکی از شاخه‌های آن که «حیات فلسفی» است نیز شکوفا می‌شود و به ثمر می‌رسد. البته رشد حیات علمی و فلسفی

نیز به نوبه خود در رشد تفکر و عقلانیت مؤثر خواهند بود و آن رشد نیز به نوبه خود، مجدداً به رشد علم و فلسفه به عنوان یکی از شاخه‌های علم کمک خواهد کرد. در میان نمودارهایی که ارائه شده، نمودار «دال» مناسب‌ترین گزینه برای نشان دادن رابطه حیات عقلی و علمی و فلسفی است.

تبیین زمینه‌های رشد فلسفه در جهان اسلام

در این قسمت از درس تلاش می‌کنیم زمینه‌ها و عوامل رشد فلسفه در جهان اسلام را توضیح دهیم و تبیین کنیم. در اینجا به شش زمینه اشاره شده است که خوب است برای هر کدام از آنها، در هنگام تدریس، مثال‌هایی ذکر کنیم. برای این منظور می‌توان به کتاب‌های زیر مراجعه کرد:

- ۱ پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی‌اکبر ولایتی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- ۲ تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، علی جواهرکلام، انتشارات امیرکبیر
- ۳ تمدن اسلامی از زبان بیگانگان، محمدتقی صرفی، دفتر نشر گزیده
- ۴ تمدن اسلامی در قرن چهارم، آدام متز، علیرضا ذکاوتی، انتشارات امیرکبیر
- ۵ دانش مسلمین، محمدرضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۶ علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۷ کارنامه اسلام، عبدالحسین زرین‌کوب، انتشارات امیرکبیر

انجام فعالیت «تطبیق»

در این فعالیت، از دانش‌آموزان خواسته شده که عبارت‌ها را بخوانند و ببینند که بیشتر با کدام یک از زمینه‌های رشد تفکر و علم تطبیق می‌کند.

عبارت اول، بیشتر بر مورد ۴ تطبیق می‌کند.

عبارت دوم، بیشتر بر مورد ۴ تطبیق می‌کند.

عبارت سوم، بیشتر بر مورد ۲ و پس از آن بر مورد ۱ تطبیق می‌کند.

عبارت چهارم، بیشتر بر مورد ۶ تطبیق می‌کند.

عبارت پنجم، بیشتر بر مورد ۴ تطبیق می‌کند.

بیان ویژگی‌های حکمای مشاء

در اینجا دو ویژگی برای حکمای مشاء ذکر شده :

۱ پیروی آنان از ارسطو و تکیه بر آرای وی

۲ استفاده از برهان و استدلال در بیان نظرات خود

بیان مقام علمی و اندیشه‌فراابی

در این مرحله، زندگی و اندیشه‌اولین فیلسوف بزرگ مشایی، یعنی ابونصر محمد فارابی ذکر می‌شود. برخی اندیشه‌های فارابی در کتاب یازدهم و در درس‌های قبل بیان شده است؛ می‌توانیم از دانش‌آموزان بخواهیم که آن اندیشه‌ها را در اینجا بازگو کنند.

در این درس، تکیه بر اندیشه‌سیاسی فارابی است که در کتاب آرای مدینه‌فاضله وی تبیین شده است.

انجام فعالیت «مقایسه»

در این فعالیت، براساس آنچه درباره‌ی فلسفه‌سیاسی فارابی آمده، جدولی تنظیم شده و دانش‌آموزان باید این جدول را تکمیل نمایند.

موضوعات	در مدینه‌فاضله	در مدینه‌جاهله
هدف	کمال و سعادت در دنیا و آخرت	سلامت جسم و فراوانی لذت‌ها
مردم	مانند اعضای یک بدن که هرکدام متناسب با ظرفیت‌های خود در جای مناسب قرار گرفته‌اند.	مناصب و جایگاه‌ها، به‌صورت هماهنگ تقسیم نشده است.
رئیس	ریاست جامعه در اختیار کسی است که ویژگی خاصی دارد، نه صرفاً با انتخاب مردم و یا با قدرت زور به ریاست رسیده باشد. او عالی‌ترین درجات عقل و فضیلت را داراست.	ریاست به کسی می‌رسد که مردم را برای رسیدن به لذت‌ها و امور جسمانی همراهی کند.
اعضاء	اعضای جامعه براساس تقدم عقلی و توانایی‌هایشان نسبت برقرار می‌کنند.	اعضاء همه مانند هم هستند و همه به سوی لذت‌ها می‌شتابند.

منابع قابل استفاده در این درس

- علاوه بر منابعی که در صفحات قبل آمده، می‌توان از منابع زیر استفاده کرد:
- ۱ تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کرین، اسدالله مبشری، انتشارات امیرکبیر
 - ۲ تاریخ فلسفه در جهان اسلام، حنا الفاخوری و خلیل الحجر، عبدالمحمد آیتی، انتشارات زمان
 - ۳ اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، فارابی، سیدجعفر سجادی
 - ۴ فلسفه در ایران، رضا داوری، انتشارات حکمت
 - ۵ مقالات فلسفی، ج ۳، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا
 - ۶ فارابی، فیلسوف فرهنگ، رضا داوری، انتشارات سخن

فلسفه در جهان اسلام (۲)

درس
۱۰

هدف کلی

آشنایی با جایگاه و نقش ابن سینا و شیخ اشراق در تاریخ فلسفه اسلامی

اهداف مهارتی و جزئی

- ۱ آشنایی با گوشه‌هایی از زندگی ابن سینا
- ۲ شناخت آثار مهم ابن سینا
- ۳ آشنایی با دیدگاه ابن سینا در طبیعت‌شناسی
- ۴ شناخت تفاوت نظر شیخ اشراق با ابن سینا در فلسفه

طراحی آموزشی درس

این درس نیز مانند درس قبل رویکرد تاریخی دارد؛ به این نحو که ابتدا به گوشه‌هایی از زندگی ابن سینا و شیخ اشراق اشاره می‌شود و سپس یکی دو محور از دیدگاه‌های فلسفی آنها مورد بحث قرار می‌گیرد.

محورهای اصلی درس

- ابن سینا یکی از برترین فیلسوفان شناخته شده در جهان است که با نبوغ خود فلسفه مشایی ارسطو را به اوج خود رساند.
- ابن سینا دارای تألیفات مهمی در فلسفه است که هم‌اکنون نیز محل رجوع فیلسوفان بزرگ می‌باشد.
- ابن سینا در محورهای اصلی فلسفه صاحب نظرات دقیق و ابداعی است، از جمله در طبیعت‌شناسی.
- شیخ اشراق، فیلسوفی با گرایش عرفانی بود که فلسفه را به عرفان نزدیک کرد.
- روش فلسفی شیخ اشراق تلفیقی میان استدلال فلسفی و دستاوردهای اشراقی است.
- شیخ اشراق مفهوم «نور» را به‌عنوان یک مفهوم اساسی وارد فلسفه خود کرد.

نکات آموزشی در مسیر تدریس

نظری به زندگی ابن سینا

انجام فعالیت «درس»

بیان زندگی شخصیت‌هایی مانند ابن سینا برای دانش‌آموزان نکته‌های آموزنده‌ای دارد، از قبیل:

- تقویت عزت نفس اسلامی
- الگو گرفتن از همت و پشتکار وی
- آشنایی با آثار و تألیفات ایشان
- توأم کردن دینداری و عقلانیت
- عشق و علاقه یک دانشمند بزرگ به پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ

تبیین طبیعت‌شناسی ابن سینا

نکته مهم در طبیعت‌شناسی ابن سینا که لازم است دانش‌آموزان به آن توجه کنند، پیوند طبیعت با ماورای طبیعت، زنده و غایب‌بودن طبیعت و توجه به خدا از دامن طبیعت است.

در این قسمت جمله‌هایی از ابن سینا نقل شده که گویای این طبیعت‌شناسی متعالی و معنوی است. ابن سینا به عنوان یک طبیعت‌شناس و طبیب بزرگ عصر خود و کسی که هنوز هم از نظراتش استفاده می‌شود، طبیعت‌شناسی او سبب دورشدن وی از توجه به خدا و مراتب معنوی جهان نشده است.

نکته دیگر توجه دادن دانش‌آموزان به مفهوم فلسفی «طبیعت» است. دانش‌آموزان از مفهوم «طبیعت» به معنای متعارف آن یعنی مفهوم جسم و جسمانیات منتقل می‌شوند. اما طبیعت، در معنای دقیق آن که از کلمه «طبع» گرفته شده، عبارت از ویژگی‌های ذاتی و خصوصیات ویژه و ساختار وجودی هر نوع از موجودات است که سبب می‌شود هر نوعی از انواع این عالم یک هدف و غایت معین داشته باشد. طبیعت دانه گندم، خوشه گندم شدن را در نهاد او قرار داده و طبیعت نطفه انسان، یک فرد انسان را در آینده او قرار داده است. طبیعت اکسیژن به گونه‌ای است که اگر با هیدروژن ترکیب شود، آب به دست می‌آید. بنابراین،

طبیعتِ اشیاء ضامن نظم و قانونمندی عالم است. بنابر نظر ابن سینا، نفی طبیعت و نفی ساختار ذاتی داشتن موجودات، به معنی نفی قانونمندی و عدم امکان پیش بینی برای اشیاء و موجودات جهان است.

انجام فعالیت «تأمل»

در فعالیت تأمل، دانش‌آموزان در اندیشهٔ ابن سینا دربارهٔ طبیعت می‌اندیشند و به سه سؤال مطرح شده پاسخ می‌دهند.

در پاسخ به سؤال اول، علاوه بر توضیحات بالا، یک دلیل دیگر ابن سینا این است که این عالم طبیعت مخلوق خداست و خداوند حکیم است و فعل او در نهایت حکمت و اتقان است و چون مخلوق خداست «بهترین نظام» و «نظام احسن» است.

در پاسخ به سؤال دوم، باید گفت که اعتماد ابن سینا به حکمت الهی است و براساس آن اموری مانند سیل و زلزله را تبیین می‌کند و می‌گوید که این امور حتماً جایگاهی در حکمت الهی دارد. به عبارت دیگر، ساختار عالم طبیعت به گونه‌ای است که همین حوادث که به ظاهر سبب خرابی می‌شوند، در نهایت به حرکت رو به کمال طبیعت کمک می‌کنند.

سؤال سوم ناظر به یک مسئله مهم است و آن اینکه آیا هر کس دانشمند علوم طبیعی مثل پزشکی و زیست‌شناسی شد، دیدگاه‌های فلسفی و الهی او تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد و در حاشیه می‌رود؟ ابن سینا یک معیار و نمونه‌ای برای پاسخ منفی به این سؤال است؛ یعنی می‌توان بزرگ‌ترین دانشمند در علوم طبیعی بود و در عین حال صاحب یک فلسفه الهی قوی و متعالی نیز بود. دلیل آن هم بنیان‌های فلسفی درست ابن سیناست که می‌تواند میان ابعاد مختلف علمی وی هماهنگی به وجود آورد؛ مثلاً ابن سینا در عین قبول اصل تجربه برای رسیدن به علوم طبیعی، روش عقلی محض را هم قبول دارد و معتقد است که آن روش هم به نوبهٔ خود دروازهٔ ورود به شناخت جهان دیگر و شناخت خداوند و تأسیس یک الهیات قوی است.

دانشمندان امروزی، از آنجا که بیشتر روش تجربی را تنها روش رسیدن به علم تلقی می‌کنند، این زمینه برای آنها هست که به همین روش بسنده کنند و ابعاد متعالی وجود خود و جهان را نادیده بگیرند و به آن توجه نکنند یا کمتر توجه کنند.

انجام فعالیت «تفکر»

این فعالیت ناظر بر یک جمله عرفانی ابن سیناست. ابن سینا در این عبارت‌ها خداوند را توصیف می‌کند و عالی‌ترین مفاهیم عرفانی را به کار می‌برد.

ابن سینا می‌گوید زیبایی خداوند آن قدر عظیم است که انسان به عنوان یک وجود محدود توانایی مشاهده آن زیبایی مطلق را ندارد. انسان زیبایی‌های محدود را می‌تواند مشاهده کند. از این رو، خداوند را در جلوه‌ها و تجلی‌هایش می‌توانیم ببینیم. همان‌طور که امیرالمؤمنین در یک عبارت کوتاه به این حقیقت اشاره کرده و فرموده است:

«سبحان الذی تجلّی فی خلقه لخلقه»

منزه است آن خدایی که در مخلوقات خود تجلی کرده تا بندگانش از این طریق به آن بی‌بهرند و بهره‌مند شوند. فیلسوف و عارف بزرگ قرن دهم، حاج ملاهادی سبزواری نیز در ابتدای کتاب فلسفی مشهور خود به نام «شرح منظومه» عبارتی شبیه ابن سینا دارد و می‌گوید:

یا مَنْ هُوَ اخْتَفَى لِقَرِطِ نورهِ الظَّاهِرُ الباطِنُ فی ظهورِه

ای کسی که از شدت نورانیت مخفی هستی و کسی توانایی دیدن تو را ندارد. تو همان وجود ظاهری هستی که از شدت ظهور در باطن هستی در باطن این مخلوقات که ظهورهای تو هستند، حضور داری.

این سخن ما را به یاد عبارت قرآن کریم می‌اندازد که می‌فرماید:

«هو الاوّلُ و الاخرُ و الظاهرُ و الباطن»

او کسی است که هم اول است و در عین حال آخر است، او کسی است که ظاهر است و در عین ظاهر بودن، باطن است.

بیان دیدگاه شیخ اشراق

در این قسمت نگاهی کوتاه به زندگی شیخ اشراق شده و روش فلسفی وی توضیح داده شده است. نکته قابل توجه روش فلسفی شیخ اشراق و توجه او به مفهوم نور است که وی این مفهوم را وارد تفکر فلسفی جهان اسلام کرد.

انجام فعالیت «مقایسه»

در این فعالیت، اندیشه شیخ اشراق که به نام حکمت اشراق است، با حکمت مشاء مقایسه شده است. همان طور که از کلمه «حکمت اشراق» بر می آید، شیخ اشراق، علاوه بر استدلال که محور فلسفه است، توجهی به اشراقات معنوی و سلوک عرفانی هم کرده است. از نظر شیخ اشراق استدلال باید با سلوک معنوی همراه شود.

تیبین دسته بندی شیخ اشراق از جویندگان معرفت

در این قسمت چهار گروهی که سهروردی بیان کرده، توضیح داده می شود. گروه چهارم همان گروه انتخابی و مورد نظر شیخ اشراق است که استدلال را با شهود عرفانی توأم کرده اند.

تیبین اشراق نور نزد شیخ اشراق

یکی از اصلی ترین بخش فلسفه شیخ اشراق «مفهوم نور» می باشد به طوری که می توان گفت وی نور را به جای «وجود» گذاشته و توسعه ای همانند وجود به نور داده است. اصطلاح نور در قرآن کریم جایگاه ویژه ای دارد و حدود ۵۰ بار در این کتاب آسمانی تکرار شده است و همین جایگاه اولین الهام بخش شیخ اشراق بوده است. لذا خوب است برخی از آیات شریفه قرآن کریم را برای دانش آموزان بخوانیم، مانند:

- الله نور السماوات و الارض ... (سوره نور، آیه ۳۵)
- الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور ... (سوره بقره، آیه ۲۵۷)
- و اشرفت الارض بنور ربها ... (سوره زمر، آیه ۶۹)
- و من یجعل الله له نوراً فما له من نور ... (سوره نور، آیه ۴۰)
- و الله متمّ نوره ولو کره الکافرون ... (سوره صف، آیه ۸)
- یوم ترى المؤمنین و المؤمنات یسعی نورهم بین یدیهن ... (سوره حدید، آیه ۱۲)

انجام فعالیت «بررسی»

سؤال اول مربوط به رابطه مفهوم «اشراق» و مفهوم «نور» در فلسفه شیخ اشراق است. اشراق به معنی تاییدن و تابش است، همان طور که این کلمه برای طلوع خورشید هم به کار می رود و آن جهتی که خورشید طلوع می کند را «مشرق» می نامند. ابن سینا و فارابی که بیشتر از لفظ «وجود» استفاده می کنند، بیشتر از اصطلاحاتی مانند علت و معلول و نظایر آن استفاده می کنند؛ مثلاً خداوند را علة العلل یا واجب الوجود می نامند. اما شیخ اشراق خداوند را «نورالانوار» نامیده است.

در پاسخ به سؤال دوم می توان گفت که فلسفه سهروردی با اینکه از شهود عرفانی کمک می گیرد، اما از روش فلسفی و استدلالی خارج نمی شود. شهود برای شیخ اشراق فقط جنبه الهام بخشی دارد. ایشان هر موضوعی را که از طریق شهود دریافت کرده کوشش می کند که در قالب استدلال فلسفی ارائه دهد و از این طریق وارد فلسفه خود نماید.

منابع قابل استفاده در این درس

- ۱ حکمت اشراق، یزدانپناه
- ۲ شرح حکمة الاشراق، شیخ شهاب الدین سهروردی، سید محمد موسوی، انتشارات حکمت
- ۳ راه اصفهان (درباره ابن سینا)، ژیلبر سینوئه، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر گفتار
- ۴ هزاره ابن سینا (مقالات)، کمیسون یونسکو در ایران
- ۵ رساله الطیر، ابن سینا، انتشارات الزهرا
- ۶ ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، غلامحسین ابراهیمی دینانی، طرح نو
- ۷ فلسفه سهروردی، غلامحسین ابراهیمی دینانی، انتشارات حکمت
- ۸ هستی و علل آن در حکمت مشاء، علی شیروانی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ۹ فلسفه مشاء دکتر محمد ذبیحی، سمت
- ۱۰ تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کرین، انتشارات امیرکبیر
- ۱۱ تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، حنا الفاخوری و خلیل الجبر، عبدالمحمد آیتی، انتشارات زمان
- ۱۲ آشنایی با علوم اسلامی، مرتضی مطهری، ج ۱، انتشارات صدرا
- ۱۳ مجموعه مصنفات شیخ اشراق به تصحیح سید حسین نصر، انتشارات مدرسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

دوران متأخر

درس
۱۱

هدف کلی

آشنایی با جریان فلسفی دوره سده‌های اخیر در جهان اسلام

اهداف مهارتی و جزئی

- آشنایی با شکوفایی علمی دوره صفویه و ظهور فیلسوفان بزرگ
- آشنایی با شخصیت ملاصدرا و آثار و تألیفات وی
- بیان مشرب فلسفی ملاصدرا و تفاوت آن با مشرب‌های پیشین
- ذکر اصول فلسفی مکتب ملاصدرا
- بیان جریان فلسفی دوره معاصر و جایگاه علامه طباطبایی در آن

طراحی آموزشی درس

این درس نیز مانند درس قبل رویکرد تاریخی دارد که سیر فلسفه از دوره صفویان تا دوره معاصر را دربرمی‌گیرد. در این سیر تاریخی مکتب فلسفی ملاصدرا توضیح داده می‌شود و سپس یکی از شارحان بزرگ این مکتب در دوره معاصر، علامه طباطبایی، معرفی می‌گردد.

محورهای اصلی درس

- عصر صفویه، عصر تجدید حیات فلسفی و ظهور بزرگ‌ترین مکتب فلسفی جهان اسلام است.
- ملاصدرا با ارائه مکتب فلسفی حکمت متعالیه جریان فلسفی در جهان اسلام را تعالی بخشید.
- اصول اصلی مکتب فلسفی ملاصدرا عبارت‌اند از: اصالت وجود، وحدت حقیقت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری.
- جریان فلسفی ملاصدرا تا عصر حاضر ادامه دارد و شخصیت‌های برجسته‌ای در عصر حاضر به شرح و تبیین و تدریس آن پرداخته‌اند.

نکات آموزشی در مسیر تدریس

توضیحی دربارهٔ موقعیت فلسفه در عصر صفوی

در این قسمت مناسب است که ابتدا دانش‌آموزان به صورت اجمال و مختصر با فراز و نشیب جریان فلسفه بعد از ابن سینا و سهروردی تا حدودی آشنا شوند و مقابله متکلمین با فلسفه و تأثیر این مقابله را بدانند. یکی از بزرگ‌ترین متکلمان اهل سنت، امام فخر رازی صاحب تفسیر کبیر است که در ۵۴۳ هـ ق در مازندران متولد شد و در ری سکنی گزید و در ۶۰۶ در هرات درگذشت. او در شرحی که بر کتاب «الاشارات و التنبیها» ابن سینا نوشت، به جای شرح، این کتاب را به‌طور جدی نقد کرد، به طوری که خواجه نصیرالدین طوسی، شرح وی را «جرح» نامید و در پاسخ به فخر رازی شرح جدیدی برای کتاب ابن سینا نوشت و به انتقادات فخر رازی پاسخ داد.

متکلم بزرگ دیگر اهل سنت، امام محمد غزالی است که در قرن پنجم می‌زیست و کتاب مشهور خود «تهافت الفلاسفه» را نوشت و به شدت به ابن سینا حمله کرد و او را متهم به کفر نمود. این حملات به فلسفه سبب شد تا در میان اهل سنت جریان فلسفی عمیقی شکل نگیرد و افرادی به صورت فردی به آن پردازند که مشهورتر از همه در این میان «ابن رشد» می‌باشد که در اندلس (اسپانیای فعلی) به نشر افکار خود پرداخت.

اما در میان شیعه و به خصوص در ایران، از همان ابتدا جریان فلسفی زنده باقی ماند و دو مکتب مشهور فلسفی، یعنی مکتب مشاء و مکتب اشراق میان این فیلسوفان شکل گرفت و به راه خود ادامه داد تا اینکه عصر صفویه آغاز شد و تحولی جدید در فلسفه پدید آمد و مکتب متعالیه توسط ملاصدرا پایه‌گذاری شد.

انجام فعالیت «برداشت»

در این فعالیت، جمله‌ای از ملاصدرا دربارهٔ اهمیت علم شهودی ذکر شده و دو سؤال پیرامون آن طرح گردیده است.

در پاسخ به سؤال اول، می‌توان گفت ملاصدرا، همچون سهروردی توجه خاصی به شهود عرفانی و اشراق از جانب خداوند داشته و وحی قرآنی را از همین سنخ می‌دانسته و معتقد بوده حقیقت وحی، همان اشراق علم از جانب خداوند بر قلب پیامبر است.

در پاسخ به سؤال دوم هم می‌گوییم زیرا قرآن کریم مصداق کاملی از علم لدنی و افاضه شده از جانب خداست و در همین کتاب شریف از چنین علمی برای همهٔ پیامبران یاد شده و فرموده: «العلم نورٌ یَقْدِفُهُ اللَّهُ فی قلب من یشاء»

توضیحی درباره «برای مطالعه»

با اینکه محتوای این بخش برای مطالعه است ولی خوب است که دبیر، نکات ضروری آن را برای دانش‌آموزان بیان کند، مانند :

- وجود انسان‌های جاهل و مخالف با عقل در هر دوره‌ای
- تأثیر این قبیل افراد در فرهنگ جامعه
- نحوه برخورد با این قبیل افراد

بیان مشرب فلسفی ملاصدرا

دانش‌آموزان، در درس‌های قبل با اندیشه‌های فلاسفه مشاء و افکار شیخ اشراق و فلسفه اشراق آشنا شده‌اند. در این قسمت تلاش می‌کنیم که نشان دهیم ملاصدرا، نه با کنار گذاشتن اندیشه‌های فیلسوفان گذشته و باز کردن یک راه کاملاً جدید، بلکه با تلفیق دو مکتب فلسفی قبل، مکتب حکمت متعالیه را تأسیس کرد که حتی الامکان مزایای هر دو مکتب را داشته باشد و نواقص آنها را نداشته باشد و نظرات جدیدی را هم به آن اضافه نماید.

انجام فعالیت «بررسی»

یکی از عواملی که سبب توفیق ملاصدرا در تأسیس حکمت متعالیه شد، درک عمیق ایشان از معارف قرآن کریم و سخنان پیامبر اکرم و اهل بیت (ص) بود. وی توان فلسفی خود را صرف درک عمیق این کلمات کرد و همین امر سبب شد که وی به اندیشه‌های جدیدی نیز دست یابد.

لذا برخی گمان کرده‌اند که وی از فلسفه خارج شده و به دفاع از دین که همان علم کلام باشد، پرداخته و یک الهیات دینی به وجود آورده است.

اما حقیقت این گونه نیست. ملاصدرا در مقام تبیین فلسفی مسائل در آنجا که در حال نوشتن کتاب فلسفی بوده از قاعده فلسفه عدول نکرده و از آن تبعیت کرده است.

بحث فلسفی، آنگاه فلسفی است که پیرامون موجود بماهو موجود و با روش عقلی صورت بگیرد و ملاصدرا از این قاعده پیروی کرده است؛ یعنی درست است که وی الهامات عرفانی زیادی داشته و آیات و روایات پیام‌های فراوانی در برداشته‌اند، اما این الهام‌ها و پیام‌ها در فلسفه وی تبدیل به استدلال شده و پذیرفته شده‌اند، نه صرفاً به عنوان یک الهام شهودی یا پیام قرآنی.

بیان اصول فلسفی ملاصدرا

حکمت متعالیه دارای اصول بدیع و ابتکاری است که توسط ملاصدرا تبیین شده است که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از:

اصالت وجود، تشکیک وجود در عین وحدت آن، جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا بودن روح، حرکت جوهری درعالم طبیعت، اتحاد عمیق عاقل و معقول و عقل و عالم و معلوم و علم. برای مطالعه بیشتر در این باره به کتاب‌های زیر مراجعه شود:

- الاسفار الاربعه، ملاصدرا، حسن زاده آملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- شواهد الربوبیه، ملاصدرا، جواد مصلح، انتشارات سروش
- مبدأ و معاد، ملاصدرا، بنیاد حکمت اسلامی صدرا
- آشنایی با علوم اسلامی، ج ۲، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا
- شرح مبسوط و مختصر منظومه سبزواری، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا
- وحدت وجود در حکمت متعالیه، حسین سوزنجی، دانشگاه امام صادق علیه السلام
- صدرالمتألهین و حکمت متعالیه، سید حسین نصر، حسین سوزنجی، دفتر پژوهش و نشر سهروردی
- مردی در تبعید ابدی، نادر ابراهیمی، انتشارات فکر روز
- مفاتیح الغیب، صدرالمتألهین، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- حرکت و زمان، مرتضی مطهری، انتشارات حکمت صدرا
- حکمت متعالیه و تفکرات فلسفی معاصر، رضا اکبریان، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا
- درآمدی بر نظام حکمت صدرا، عبدالرسول عبودیت، انتشارات سمت

فلسفه در دوره معاصر

آشنایی با جریان فلسفه در دوره معاصر و فیلسوفان مسلمان عصر حاضر، یعنی در صد و پنجاه سال اخیر، برای دانش‌آموزان ضروری است. در صد سال اخیر، در تهران و قم و تا حدودی اصفهان و مشهد که کانون مباحث فلسفی بوده‌اند، جریان فلسفه با فراز و فرودهایی همراه بوده و آن چنان که باید رشد نکرده که بتواند در حوزه‌های مختلف فلسفه، به خصوص فلسفه‌های مضاف پاسخ‌گوی مسئله‌های زمان باشد و نیازهای فکری و فرهنگی جامعه را برطرف نماید.

ظهور سه شخصیت برجسته در حوزه‌های علمیه، نویدبخش آغاز دوباره رشد فلسفه و اعتلای آن محسوب می‌شود. این سه شخصیت عبارت‌اند از: امام خمینی علیه السلام، علامه طباطبایی و مرتضی مطهری. با توجه به اینکه آثار متعددی درباره این سه شخصیت نوشته شده و در دسترس هست، در اینجا آن آثار را معرفی

می‌کنیم که مورد مطالعه قرار گیرد و آن کتاب‌هایی را که مناسب دانش‌آموزان است، به آنها معرفی گردد.

■ شرح اصول کافی، ملاصدرا، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

■ مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتألهین، انتشارات حکمت

■ اصول فلسفه و روش رئالیسم، علامه طباطبائی و مرتضی مطهری، انتشارات صدرا

■ شیعہ، مجموعه مذاکرات هانری کرین با علامه طباطبائی، بوستان کتاب

■ کلیات علوم اسلامی، مرتضی مطهری، ج اول، انتشارات صدرا

■ بداية الحکمه، علامه طباطبائی، ترجمه و شرح علی شیروانی، بوستان کتاب

■ مهر تابان (یادنامه علامه طباطبائی) حسین تهرانی، انتشارات حکمت

■ یادنامه استاد شهید مطهری، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی

■ سیری در زندگانی استاد مطهری، انتشارات صدرا

■ تاریخ فلسفه اسلامی، زیر نظر سید حسین نصر، جلد ۴ و ۵.



مطلبان محترم و صاحب نظران کرامی می‌توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب این کتاب از

طریق نامه بر نشانی تهران - صندوق پستی ۶۵۸۷۵/۴۸۷۴ - گروه دسی مربوط و یا پیام‌نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر چاپ و انتشارات کتاب‌های دسی موسسه متوسطه فخری